

رضا فرامرز نسب

دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی (تاریخ و تمدن اسلامی) دانشگاه تحصیلات تکمیلی پیام نور تهران
faramarznasabreza@gmail.com

دکتر اصغر قائدان

دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

دکتر محمد صادق جمشیدی راد، دکتر سید حسن قریشی کرین

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، گروه معارف اسلامی

پیامدهای مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع بر اقتصاد عصر اموی

چکیده

با روی کار آمدن امویان، تغییرات بسیاری در سیاست‌های خلافت اسلامی به وقوع پیوست؛ اصولاً ماهیت خلافت اموی، با سیره حکومت نبوی و خلفای راشدین نه تنها متفاوت بود، بلکه در تعارض نیز قرار می‌گرفت؛ زیرا حکومت آنان مبتنی بر اشرافیت و ساختار نظام قبیله‌ای بود که ریشه در عصر جاهلیت داشت؛ گاهی نیز متأثر از سنت سیاسی سرزمینهای فتح شده بود. چنین نظامی برای اداره‌ی خود به ثروت بسیاری نیازمند بود و تنها راه کسب آن را توسعه فتوحات و افزایش میزان مالیات‌ها می‌دانست. گسترش دامنه فتوحات تا ماوراءالنهر که در زمان معاویه اتفاق افتاد، تصرف مناطق شمالی‌آفریقا تا اندلس در جنوب اروپا، قلمرو وسیعی از سرزمینهای حاصلخیز و پر نعمت را در اختیار امویان گذاشت، نتیجه چنین سیاستی، منجر به رشد نظامی‌گری، توسعه نظام اداری و نظام اقطاع شد. روند رو به رشد نظامی‌گری و توسعه نظام اداری که لازمه چنین سیاستی بود، هزینه‌های تازه‌ای بر خلفای اموی تحمیل می‌کرد، سبب شد تا امویان راههای متفاوتی برای کسب ثروت از جمله مالیات‌های غیر شرعی همچون اخذ جزیه از تازه مسلمانان، هدیه نوروز و مهرگان مربوط قبل از اسلام و «مکس» با تفکر پادشاهان روم و ایران قبل از اسلام از جمله بدعتهای مالی امویان به شمار می‌آیند. در این مقاله تلاش می‌گردد که با رویکردی تحلیلی تاریخی، پیامدهای مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع بر اقتصاد عصر اموی مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: امویان، مالیات نامشروع، مالیات جدید، اقتصاد اموی.

طرح مسأله

پس از بعثت رسول گرامی اسلام، بنای حکومت اسلامی در مدینه تغییرات شگرفی در حوزه‌های مختلف زندگی مردمان جزیره العرب به وجود آمد. از مهمترین حوزه‌هایی که در آن تحول نگرشی و بینشی صورت گرفت وقوانین و ضوابط تازه‌ای بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی برآن حاکم گشت، اقتصاد و حوزه مالی جامعه تازه تاسیس اسلامی بود. تا پیش از بعثت رسول‌الله (ص) سیستم مالی رایج در جزیره العرب در سطحی محدود و بسیار ضعیف بود؛ البته با بعثت رسول‌الله (ص) و نزول احکام اسلامی، اسلوب و احکام نوینی بر سیستم مالی و اقتصادی جامعه اسلامی جاری و ساری گشت اما این تغییرات چندان وسیع و همه‌گیر نبود این خود بیشتر معلول این مسأله بود که دوران 23 ساله زندگی مبارک پیامبر اسلام(ص)، قلمرو حکومت اسلامی چندان وسیع و متنوع نبود، همین عامل موجب شده بود تا مسائل مالی و اقتصادی جامعه اسلامی چندان پیچیده نباشد، تشکیلات ویژه و عریض و طولیلی پدیدار نگردد به گونه‌ایکه امور مالی و اقتصادی مسلمانان در حد ساده و روزانه بر حسب شرایط انجام پذیرد. با این وجود به سبب اهمیت جهاد و درگیری با مشرکان یکی از موضوعات اقتصادی یعنی غنایم شاید هم تا حدی گسترده ترمورد توجه باقی ماند که حکم جدیدی هم علاوه بر سنتهای کهن بر آن مترتب شد و آن خمس یا یک پنجم غنایم بود که به پنج قسمت تقسیم می‌شد البته علاوه بر رسول خدا(ص)، ذریه او، یتیمان، فقرا، مساکین و بازماندگان از راه تعلق می‌یافت و باقیمانده بین غازیان تقسیم می‌شد. پس از آنکه در دوره خلفای راشدین، به موازات فتوحات گسترده مسلمانان و گسترش قلمرو مسلمین، تشکیلات مالی و اقتصادی وسیع و منظمی شکل گرفت؛ دیوان‌های مالی تأسیس، اسامی افراد در بیت المال، ثبت و ضبط شد؛ همچنین دیوان جند یا لشکر پدیدآمد که نام سربازان، میزان مواجب و مقرری آنان در جنگ‌ها تعیین گردید. تحولاتی که در دوره خلفای راشدین به وقوع پیوست، حوزه‌های اقتصادی و مالی جدیدی را در اسلام باز کرد اما با این وجود از یک خصیصه و ویژگی ممتازی نسبت به دوره اموی برخوردار بودو آن عمل به سیره نبوی و کتاب خدا و التزام خلفای راشدین به رعایت حدود شرعی و اسلامی مشخص بر اساس کتاب خدا و سنت نبوی بود.

اعتقاد نگارندگان بر آن است با گسترش قلمرو مسلمانان در دوره اموی که باعث شد سرزمینهای وسیعی از ماوراءالنهر تا منتهی الیه شمال غرب آفریقا و اندلس تحت سیطره آنان در آید؛

به ناچار تغییرات و تحولات گسترده‌ای در امور مالی خلافت اسلامی به وجود آمد که بخش‌اندکی از آنها تکامل و تطور همان اصول مالی و اقتصادی دوران پیامبر (ص) و خلفای راشدین بود و بخش اعظمی از آنها نیز تغییراتی بود که توسط امویان در این حوزه اتفاق افتاد و زمینه ساز تحولات وسیعی در قلمرو جامعه اسلامی گشت. در این دوره در مسیر اسلام و ارزش‌های اسلامی تغییراتی ایجاد و بر خلاف سنت و سیره رسول خدا (ص) عمل شد. به همین دلیل شاهد برخی پدیده‌های جدید و نامشروع مالیاتی و اقتصادی هستیم که نه تنها در دوره‌های قبل بی سابقه بوده بلکه حتی با احکام اسلام در تضاد و تعارض قرار می‌گیرد. ایجاد چنین پدیده‌های مالی و گسترش و تداوم آنها در دوره‌های بعد تاثیرات شگرف و مهمی در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم به جا گذاشت و دارای پیامدهای مثبت و منفی گردید.

بعضی از این مالیات‌ها در دوره‌های قبل هم معمول بوده است که در این دوره چنان دچار تغییر گردید، گویی چیز جدیدی است، بعضی دیگر نیز توسط امویان ابداع شد که ما در این مقاله تلاش نموده ایم به تفصیل آنها را مورد بررسی و بازکاوی قرار دهیم و تاثیرات آنها را در تحولات اقتصادی آن عصر بررسی نماییم و آسیب‌ها و یا احیاناً نقاط قوت آنها را بازشناسیم.

اینکه قوانین اقتصادی اسلام در دوره اموی چه دگرگونی و تطوری می‌یابد؛ امویان در تبیین مالیات‌های نامشروع جدید مالی قلمرو اسلامی چه نقشی داشتند مهم ترین سوالی است که در این مقاله در صدد پاسخ به آن برآمده ایم.

مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع، بی سابقه و جدید امویان

در دوران امویان، هزینه‌های سرسام آور حکومت، و لخرجی‌های خاندان اموی به حدی بود که تأمین آن با مالیات‌های مشروع امکان نداشت، پس آنها علاوه بر مالیات‌های مشروع دو گونه مالیات دیگر نیز از مردم اخذ می‌کردند: الف: مالیات‌های نامشروع ب: مالیات‌های جدید و بی سابقه

الف: مالیات‌های نامشروع

منظور از مالیات‌های نامشروع آن دسته از مالیات‌هایی است که مبنای شرعی در احکام اسلامی نداشته است؛ قرآن و سنت رسول خدا (ص) آن را تعریف و تبیین نکرده اند. بنی امیه که استواری حکومت خود را بر اساس بخشش و خرید افراد قرار داده بودند، مخارج حکومت آنها سرسام آور شده

بود. بدیهی است بار این هزینه هارا به دوش مردم بی پناه و ستم‌دیده نهاده و مالیات‌هایی وضع کردند که از نظر اسلام مشروع نبود. از جمله :

1- زکات براسب :

در قرآن آیات متعددی از جمله، آیه 1-3 نمل، 20 مزل، 5 و 11 توبه، 7 فصلت و... به زکات اشاره دارد. مواردی که زکات به آن تعلق می‌گیرد براساس دستوری است که رسول خدا (ص) به عمر بن حزم داد، شامل نه مورد: گاو، گوسفند، شتر، طلا، نقره، خرما، گندم، جو و کشمش می‌باشد ولی امویان بر خلاف دستور اسلام در قرآن و سنت، براسب زکات وضع کردند. اموی‌ها بر فروشندگان یا حتی انفاق‌کنندگان اسب یک دینار زکات می‌بستند. این امر از بدعت‌های آنان بود که در دوران گذشته رواج نداشت؛ اسب شامل موارد نه گانه زکات مورد تایید شرع مقدس اسلام نبود.

2- مکس (عوارض گمرکی)

از پدیده‌های مالی دوران امویان «مکوس» یا عوارض گمرکی بود که از تاجران گرفته می‌شد که از زمان جاهلیت رواج داشت، مقدار آن ده یک بود.^۲ بعداً در دوره اسلام از رونق افتاد، قرآن در آیات 85 سوره‌های اعراف و هود به آن اشاره کرده است، «مکوس» عوارض گمرکی بود که در خشکی از تاجران می‌گرفتند. نقل شده که عمر وعاص به عمر گزارش داد که وقتی تاجران مسلمان در سرزمین‌های کفر به تجارت می‌روند ده یک مالشان می‌گیرند و عمر هم دستور مقابله به مثل داد تا از بازرگانان خارجی گرفته شود.^۳ این مالیات چندان مورد توجه قرار نگرفت زیرا مردمان پرهیزکار آنرا مکروه می‌دانستند.^۴ مراکز مکوس و عوارض گمرکی در دوره امویان گسترش یافت و عمر بن عبدالعزیز آنرا از بین برد و مرکز مکس موجود در رفح بین مصر و شام را تعطیل کرد.^۵

عمر بن عبدالعزیز در مورد «مکس» به یکی از کارگزارانش به نام عدی بن اریطاه نوشت: مردم را از پرداخت فدییه، مائده و مکس معاف کن، مکس نیست بلکه بخش است، همان بخشی که خدا در قرآن آیه 183 سوره شعراء در باره‌ی آن می‌فرماید:

«و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین»

3- مالیات نصف حق دیه :

در قران آیه 92 سوره مبارکه نساء به حکم دیه مقتول اشاره دارد که در عوض قتل غیر عمد به صاحبان خون به طور کامل، پرداخت می‌گردد بر اساس آیه؛ فقه اسلامی دیه کامل را حق وارثین مقتول می‌داند ولی معاویه برخلاف شرع اسلام نصف حق دیه مقتول را به عنوان مالیات به بیت المال اختصاص داد و نصف دیگر را به ورثه می‌داد، این شیوه نامشروع تا زمان عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت، او آن را باطل کرد.⁶

4- گرفتن جزیه از تازه مسلمانان :

از پدیده‌های مالیاتی غیر شرعی امویان که بر خلاف تعالیم اسلامی است، دریافت جزیه از تازه مسلمانان بود. بر اساس آیه 29 سوره مبارکه توبه، جزیه شامل کسانی که به اسلام ایمان بیاورند نمی‌شود، بلکه شامل اهل کتاب می‌گردد، جزیه هزینه مالی بود که توسط افراد غیر مسلمان که در دیار مسلمانان زندگی می‌کردند: مثلاً یهودی یا مسیحی بودند؛ پرداخت می‌شد. احکام و شرایط آن در کتب فقهی مفصل ذکر شده است. تعیین مقدار آن با امام مسلمانان است که در روز اخذ تعیین می‌گردد. گسترش اسلام در میان اهل کتاب باعث شد که از پرداخت جزیه معاف گردند، همین اتفاق کاهش درآمد عمومی به دنبال داشت؛ شرایط چنان شد که خلفای اموی تصمیم گرفتند از تازه مسلمانها هم جزیه دریافت کنند که عملی نامشروعی بر خلاف دوره‌های قبل بود. روستائیان اهل ذمه مسلمان شدند تا از پرداخت جزیه رهایی یابند ولی سودی نبخشید،⁷ پس آنها از خانه خود فرار کردند و به مناطق دیگر گریختند ولی حجاج با مامورانش آنها را دنبال می‌کردند و آنها را به روستاها بر می‌گرداندند.⁸

5- مالیات زنان زنا کار و فاسق (عاهرات) :

رسم نامشروع دیگری که مانند دوران جاهلیت در دوره امویان وجود داشت، رواج فساد و فحشای جنسی بود عده‌ای شناسنامه دار این کار انجام می‌دادند یعنی همانطور که در عهد جاهلیت عده‌ای از زنان زنا کار و فاسق پرچم بر بام منازل خود داشتند، در دوره امویان هم این کار رایج بود و دولت اموی بر کار این زنان مالیاتی بی سابقه وضع کرد بنام مالیات زنان «عاهرات و فاسق»، عمر بن عبد العزیز این مالیات نامشروع را لغو کرد.⁹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

6- مالیات زمین‌های غیر زراعی (بایر):

زمین‌هایی که بالفعل قابل استفاده نیست به دلیل: شوره زاری، وجود سنگ، خار و خاشاک در آن، پوشیده شدن از نی و بی آب بودن، در هر صورت جهت آباد شدن نیازمند اصلاح و احیاء می‌باشد تا قابل استفاده گردد که جزء انفال می‌باشد؛ متعلق به حکومت اسلامی و در مالکیت امام است،^{۱۰} این گونه زمین‌ها هیچ عایدی ندارد زیرا در آن به دلیلی آبی یا مشکلات دیگر بایر مانده و در آن کشت و زراعتی انجام نمی‌گیرد، امویان بر این گونه زمین‌ها مالیات وضع کردند.^{۱۱}

7- افزایش بدون حساب مالیات غیر عربها:

از جمله اقدامات نامشروع مالیاتی امویان این بود که بدون حساب، میزان مالیات غیر عربها افزایش می‌دادند. هدف آنها صرفا رسیدن به پول بود چنانکه در دوره معاویه به عمرو عاص فشار وارد شد که مالیات قبطیان مصر افزایش دهد که او به دلیل اینکه مصر طعمه اش بود قبول نکرد و موالی همیشه در فشار و سختی بودند؛ همانطور که مسیحیان زیر فشار بودند تا مالیات اضافی پرداخت نمایند.^{۱۲}

ب: مالیات‌های جدید و بی سابقه

امویان که در اداره قلمرو حکومتشان با هزینه‌های زیادی روبرو بودند در اداره قلمرو خود بدون درآمد و ثروت با مشکل مواجه می‌شدند، مالیات‌های جدیدی وضع و ابداع کردند که سابقه قبلی نداشت و اسم‌های جدیدی برای آن گذاشتند. شرح آن چنین است:

1- مالیات بر ضرب پول و سکه (مالیات ضراب خانه)

از مالیات‌های بی سابقه در زمان امویان، مالیات ضرب سکه در ضراب خانه‌ها بود که «ثمن الحطب و أجر الضراب» نامیده میشد یعنی قیمت هیزم و اجرت سکه زدن که مقدار آن در زمان خلیفه عبد الملک بن مروان در مقابل هر صد درهم، یک درهم بود و مقدار این مالیات بر اساس شهرها متفاوت بود، مالیاتی جدید و بی سابقه ولی درآمدزا برای امویان که درآمد آن‌ها حدود 200 هزار دینار و هر دیناری هفده درهم ارزش داشته است.^{۱۳}

2- مالیات بر ورود خارجی‌ها به کشور اسلامی

مالیات جدیدی در عصر امویان وضع شد بنام عوارض ورود خارجیان به سرزمین اسلامی که گرفتن این نوع عوارض از زمان خلیفه اموی عبدالملک مروان آغاز گردید و تا پایان عصر اموی ادامه داشت، این خارجیان حتی علاوه بر آن مجبور بودند برای تمديد سفرشان مبلغ معین و مشخصی پرداخت کنند که منبع جدید درآمدی برای حاکمان اموی بود.^{۱۴}

3- مالیات بر ارث

امویان بر ارث مالیات جدیدی وضع کردند در صورتی که بر اساس فقه اسلامی، حق ارث و طبقات آن مشخص شده است. ارث حق ورثه می‌باشد و اسلام کسی دیگر را در این مورد صاحب حق نمی‌داند ولی امویان بر خلاف فقه اسلامی عمل کردند تا اینکه عمر بن عبدالعزیز آن را باطل کرد ولی این روش تا زمان هشام بن عبدالملک وجود داشت.^{۱۵}

4- مالیات و عوارض کشتی‌ها

در دوره اموی از کالاهای هر کشتی که از سرحدات دریایی مسلمانان می‌گذشت به مقدار ده یک (نقدی یا جنسی) عوارض می‌گرفتند مثلاً کشتی‌های هندی که از کرانه‌های یمن می‌گذشت کالاهای مانند مشک، عنبر، کافور، صندل و دارچین حمل می‌کردند به مقدار ده یک از عین جنس عوارض گرفته می‌شد که روشی جدید و نو در دریافت مالیات بود.^{۱۶}

5- مالیات دراهم النکاح (مالیات ازدواج) :

ازدواج در اسلام امری مقدس است که برای جلوگیری از هر نوع مفاسد اخلاقی و اجتماعی مردم را تشویق به آن نموده و در آیات (نحل 72، روم 21، نور 32) و روایات بر این امر مقدس تاکید کرده است ولی امویان بر خلاف سفارش اسلام از کسانی که قصد ازدواج می‌کردند، مالیات «ازدواج» یا «دراهم النکاح» دریافت می‌نمودند که سرانجام عمر بن عبدالعزیز آنرا لغو کرد.⁵

6- مالیات اجاره کارگران ضرب سکه

در کارگاه‌های ضرب سکه کارگرانی مشغول فعالیت بودند، امویان بر کار این کارگران مالیاتی بی سابقه وضع کردند و هر کس که زیر بار نمی رفت از کار کردن در ضرب سکه منع می گردید، تا اینکه عمر بن عبدالعزیز در دوره خلافتش آنرا لغو کرد.^{۱۷}

7- مالیات خبرگان تشخیص سکه

در دوره امویان به دلیل کثرت وجود سکه‌های متعدد ایرانی و بیزانسی و سکه‌های ضرب شده دیگر، افرادی به عنوان خبرگان تشخیص سکه در جامعه مشغول فعالیت بودند که کار آنها تشخیص انواع و اقسام سکه‌های موجود در بازار بود؛ امویان از این افراد مالیاتی دریافت می کردند بنام «اصحاب الخبره فی تمیز النقود».^{۱۸}

8- مالیات بهای کاغذ و دفتر (ثمن الصحف)

از مالیات‌های جدید و بی سابقه عصر امویان مالیاتی بنام «ثمن الصحف» بود. یعنی هر کس که قصد داشت عرض حالی بنویسد باید مالیات فوق العاده بدهد که باعث نگرانی مردم شده بود که در حقیقت بهای کاغذ و دفتر در معاملات بود.^{۱۹}

9- مالیات اجور البیوت (اجاره خانه‌ها و کاروانسراها)

از مالیات‌های جدید و بی سابقه وضع شده توسط امویان مالیات اجاره خانه بود. (اجور البیوت) یعنی هر کس خانه‌ای اجاره می داد باید مالیات اجاره بهاء آنرا پرداخت می نمود؛ کاروان سراهایی که در سطح سرزمین اسلامی فعال بودند، باید مالیات پرداخت می کردند که توسط عمر بن عبدالعزیز لغو گردید.^{۲۰}

10- مالیات مشاغل

در دوره امویان از مشاغل و حرفه‌ها که خدمات و کارهایی انجام می دادند مالیات دریافت می گردید که شامل صرافی‌ها و مراکزی که کار بانک‌های امروزی انجام می دادند نیز می شد، معروف به «اجور الجهابذه» بود، عمر بن عبد العزیز آنرا ظالمانه تشخیص داد در نهایت دستور لغو آن صادر کرد.^{۲۱}

11- دریافت خراج بدون توجه به مزرعه

خراج بر اساس مساحت زمین، مقاسمه و نوع محصول دریافت می‌شود ماموران اموی بدون توجه به مزرعه، میزان و نوع محصول بر اساس دلخواه خود و به روشی ظالمانه و نامشروع خراج دریافت می‌کردند که بر خلاف روال دوره‌های قبل بود زیرا دوره‌های قبل میزان خراج بستگی به نوع محصول و کیفیت و کمیت آن داشت از جمله در یمن خراج مقدار معینی دریافت می‌شد و کاری به نوع یا خوبی و بدی و محصول نداشتند در صورتی که صاحب لمعه خراج را این گونه تعریف می‌کند مالیاتی است که بر زمین یا درخت قرار داده می‌شود.^{۲۲} باید بر اساس مساحت زمین یا درختان موجود در آن محاسبه گردد.

تأثیر درآمدها و مالیات‌های نامشروع و بی سابقه بر اقتصاد عصر اموی

خلفای اموی برای دریافت ثروت بیشتر از هیچ گونه تلاشی فروگذار نمی‌کردند تا جایی که مالیات‌های نامشروع و بی سابقه وضع کردند. درآمدهای خلاف شرع از مردم می‌گرفتند که شرح آن گذشت، هر کدام از این درآمدها و مالیات‌های نامشروع ثروت هنگفتی به خزانه امویان سرازیر می‌کرد که این مالیات‌ها در دوره رسول خدا (ص) و خلفای راشدین سابقه نداشته است. تأثیر درآمدها و مالیات‌های نامشروع بر اقتصاد عصر اموی بدین شرح می‌باشد:

1- رواج اشرافی‌گری: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زندگی در دوره رسول خدا (ص) بسیار ساده و از هر گونه تجمل‌گرایی به دور بوده و اصحاب و یاران ایشان نیز ساده و بر اساس زهد و تقوا زندگی می‌گذراندند. بعد از رحلت رسول خدا (ص) در دوره خلفای راشدین جامعه اسلامی به مرور از موازین اسلامی فاصله گرفته، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری دوران جاهلیت میان مردم بازگشت؛ اصحاب و یاران رسول خدا (ص) به جمع آوری مال و ثروت پرداختند. وقتی حضرت علی (ع) خلیفه گردید عده ای به نزد ایشان رفتند تا در تقسیم اموال ملاحظه اشراف را کرده، عرب را بر عجم و موالی برتری دهد، امام علی (ع) آن را نپذیرفت.^{۲۳} وقتی از مخالفان حضرت علی (ع) سؤال می‌شد که چرا از او روی می‌گردانید می‌گفتند زیرا او از سنت عمر و عثمان در

بخشش‌های بیت المال روی گردانده و در تقسیم بیت المال مساوات کرد. وقتی پرسیدند چرا اشراف کوفه به معاویه تمایل دارند؟ می‌گفتند: زیرا علی (ع) مساوی حقوق می‌دهد ولی معاویه حقوق اشراف را محفوظ می‌دارد.^{۲۴}

دوره امویان با گسترش قلمرو حکومت، ثروت بیشتری ناشی از مالیات‌های مشروع و نامشروع به سرزمین اسلامی وارد می‌گردید؛ اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی رشد بیشتری کرد، باعث شد که اصحاب رسول خدا (ص) از اسلام واقعی فاصله بگیرند و به دنیا طلبی روی آورند و سعی در انباشتن سکه‌های طلا و نقره و جمع‌آوری اموال کنند. زمان رسول خدا (ص) به همراه سربازان در جنگ‌ها، حافظان و قاریان قرآن بودند، افراد آموزش و تربیت قرآنی می‌دیدند؛ ولی در زمان امویان خبری از آموزش قرآن و مبنای آن نبود. در دوره امویان فتح‌های اسلامی بیشتر رنگ کشور گشایی گرفت به انحراف رفت، سربازان برای غنیمت می‌جنگیدند نه برای گسترش اسلام؛ حاکمان برای پر کردن خزانه خود تلاش می‌کردند، سعی در جمع‌آوری مال و ثروت از هر راهی چه مشروع و چه نامشروع داشتند. درآمد ناشی از مالیات‌های نامشروع اعراب مسلمان را شیفته تجمل‌گرایی کرده بود که از سادگی و بی‌آلایشی اسلامی زمان رسول الله (ص) فاصله گرفتند طوری که در امور زندگی افراد قابل مشاهده بود، گرایش به تجمل در زندگی، خوراک، لباس، ساختمان، اثاث خانه، مرکب سواری، جواهرآلات، کاخ‌های زیبا و مجلل به سبک امپراطوری روم، اقامتگاه‌های تابستانه و زمستانه، حمام‌های مجلل در مقر حکومت و حتی در شکارگاه‌ها از مظاهر این تجمل‌گرایی بود. می‌گساری، زن‌بارگی و خریداری کنیزکان آوازه‌خوآن متداول گشت و شرایطی فراهم شد که گفتار روزانه بعضی خلفای اموی و خاندانشان، درباره زن و خوراک و شراب بود و مجالس لهو و لعب برقرار بود و اشراف و بزرگان اموی و غیر اموی در آن حاضر بودند و به تفریح و شادی می‌پرداختند و موسیقی حرام نواخته می‌شد و کنیزکان هم برای آنها رقص می‌کردند و اشراف لذت می‌بردند از جمله عیش و نوش با کنیزان در تمام دوران امویان وجود داشت و خلفای اموی با صراحت تمام به این کار مبادرت می‌کردند، یزیدبن عبدالملک کنیزی داشت به نام حبابه؛ آنقدر به این کنیز وابسته بود که امور مملکت به او سپرده بود؛ وقتی که حبابه از

دنیا رفت مرگ او را طاقت نیاورد پس از چند روز از مرگ او خود نیز مرد و جان فدای او کرد. او به مجالس عیش و عشرت بیش از رسیدگی به کارهای مردم اهمیت می‌داد.^{۲۵} این کار می‌کردند که می‌بایست از راه افزایش مالیات‌ها جبرانمی‌شد که بیشتر آنها از راه‌های نامشروع حاصل می‌گشت. امویان روز به روز به اشرافیت خود افزودند، معاویه به عنوان اولین خلیفه اموی که از سالها قبل به عنوان کسی که زندگی اشرافی داشت به محض رسیدن به خلافت از زندگی ساده دست کشید و برای خود دربار و خدم و حشمی تشکیل داد و تشریفاتش را بیشتر کرد و در نماز جمعه با مرکب به مسجد می‌رفت و برای خود جاه و جلال و شکوهی برقرار کرده بود که تا قبل از آن سابقه نداشت.^{۲۶} خلفای اموی به جز عمر بن عبدالعزیز به موسیقی، خنیاگری و باده پیمایی علاقه وافری داشتند؛ هنوز نیمه دوم قرن اول هجری به پایان نرسیده بود که مدینه شهر پیامبر(ص) مرکز تربیت خنیاگران شده بود. دلیل آن سرازیر شدن سیل آسای درآمدهای نامشروع حاصل از سرزمین‌های فتح شده بود که غلامان، کنیزان و درآمدهای نامشروع به این شهر رسید تا جایی که بعضی از فقها وزاهدان به خانه این آوازه‌خوان‌ها تردد داشتند؛ اوضاع شهر دگرگون گردید.^{۲۷} پول مالیات‌ها و درآمدهای نامشروعی که به امویان میرسید باعث میشد که زندگی خود را توسعه دهند و در خوراک و پوشاک و وسایل منزل خود تفنن و تجمل به خرج دهند و به دنبال کسب شهرت بودند از این لحاظ شاعران و ادیبان را به خود جذب می‌کردند با پول سعی در جذب آنها را داشتند در این دوره خاندان اموی و امیران آنها در خوراک هایشان تفنن‌هایی به خرج دادند، انواع و اقسام غذاهای مجلل می‌خوردند. در این کار از ایرانی‌ها تقلید میکردند. آنها خوب و شادمان زندگی می‌کردند از خلق و خوی صحرا گردی به سوی تجملات شهر نشینی روی آوردند چنان در این کار افراط کردند که در تجمل‌گرایی از پادشاهان ایران و روم پیش افتادند، آنها به پوشیدن لباس‌های فاخر و گران قیمت حریر، ابریشم و گلدار علاقه زیادی نشان دادند.^{۲۸}

2- تبدیل حکومت خدا محوری به حکومت خلیفه محوری (فرد محوری)

زمانی که رسول خدا(ص) رهبر مسلمانان گردید و در مدینه حکومت تشکیل داد، بسیار ساده و بدون آرایش به امورات مردم می‌رسید و آن حضرت (ص) مسئول امور دینی

و دنیوی مسلمانان بود و کارهای آموزشی، تربیتی، قضاوت، جهاد و اعزام سپاه نیز انجام می‌داد و اگر کسی از طرف رسول الله(ص) مامور به کاری می‌شد هم از نظر سیاسی و هم از نظر مذهبی نماینده رسول خدا(ص) بود و رسول خدا(ص) او را سفارش می‌کرد که به عدالت حکم کند، قرآن را به مردم بیاموزد و حکومت بر اساس خدا محوری و خدا سالاری اداره می‌شد. مردم او را به عنوان نماینده خدا می‌شناختند.^{۲۹} در دوره خلفای راشدین؛ خلافت یک منصب دینی، مذهبی و سیاسی بود و از روش رسول خدا(ص) تا حدود پیروی می‌کردند و کارهای مربوط به سپاه، قضاوت و دریافت مالیات را انجام می‌دادند و خود فرمانداران و والیان منصوب می‌کردند و به اداره کشور می‌پرداختند و بیشتر سعی می‌کردند که خدا سالاری در نظر داشته باشند اگر چه در دوره عثمان، مادی‌گرایی بیشتر شد و خلافت اموی وقتی که با حيله و زور معاویه شکل گرفت بر خلاف دوره‌های قبل بیشتر به حکومتش جنبه مادی و دنیایی داد و خدا سالاری و خدا محوری جای خود را به خلیفه محوری و شخص‌گرایی داد و معاویه خود را خلیفه و پادشاه می‌نامید.^{۳۰}

معاویه وقتی به خلافت رسید دوران تازه‌ای آغاز شد و شخص خلیفه به عنوان فرمانروا از وضع خود آگاهی کاملیافت؛ سعی کرد همگان را متوجه اهمیت شخص خود کند، درباری ترتیب داد و زندگی را با تشریفات خاص که بیشتر جنبه مادی و دنیایی داشت آغاز کرد.^{۳۱} نیاز به هزینه‌ها و درآمدهایی داشت که مبالغ آن سرسام آور بود، لازم بود آن را از بیت المال مسلمین برداشت کند. این رویه در میان خلفای دیگر اموی هم ادامه یافت که ناچار بودند برای تأمین هزینه‌های زندگی دنیوی و مادی خود مالیات‌ها، درآمدهای نامشروع و جدیدی بر مردم تحمیل کنند. خلیفه که در رأس امور بود، بر اساس نظر خود کارها را انجام می‌داد، این احساس قدرتی بود که از دریافت ثروت نامشروعی ناشی می‌شد که از مناطق فتح شده به جیب آنها سرازیر شده بود.

خلفای اموی به جای اینکه خدا محوری در جامعه حاکم کنند، خود محوری و خلیفه محوری و نوعی دیکتاتوری مطلق در جامعه حاکم کرده بودند، حکومت آنها به ظاهر رنگ دینی داشت آن هم برای ظاهر سازی و عوام فریبی مردم بود، آنقدر در مال و منال دنیا و ثروت‌های بادآورده و نامشروع آن غرق بودند که خدا در قاموس آنها جایی نداشت؛

روز به روز از خدا بیشتر فاصله می‌گرفتند. والیان و کارگزاران آنها با تمام توان بر مردم ظلم روا می‌داشتند، مخارج خاندان اموی و خودشان را از جیب مردم مظلوم تأمین می‌کردند که با منطق حکومت خدا سالار و خدا محور سازگاری نداشت.

3- رواج شیوه زور و فشار توسط والیان جهت دریافت مالیات و در آمد:

مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع باعث رواج رفتارهای ناشایست در جامعه اقتصادی امویان شده بود. زورگیری، فساد اداری، رشوه و باج‌گیری از شیوه‌های بدست آوردن ثروت توسط امویان بود؛ هر چه می‌خواستند از مردم با عنوان‌های مختلف می‌گرفتند که در این کار معاویه آنها را گستاخ کرده بود. پس از معاویه دیگر خلفای اموی روش او را ادامه دادند، با ثروت، ملک، مال و منصب برای خود پشتیبان و کمک جذب می‌کردند. پول‌های آنها از طریق مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع؛ از راه زور مانند دریافت جزیه حاصل می‌شد و خلفای اموی برای جمع‌آوری درآمد و مالیات کسانی را که قابلیت اطمینان و قدرت زورگیری بیشتری داشتند به کار می‌گرفتند، ظالم‌ترین و بدترین آنها حجاج بن یوسف بود، او در زمان عبدالملک مروان والی عراق بود. در آن زمان خلافت اسلامی به دلیل جنگ با ابن زبیر و مختار بیش از هر زمان دیگری به پول و ثروت نیاز داشت.^{۳۲} عبدالملک بن مروان، حجاج و امثال آن بیدادگران را مأمور کرد تا به حق و ناحق از مردم پول و مالیات نامشروع بگیرند و بوسیله آن اموال نامشروع لشکرو اسلحه تهیه کنند و به جنگ رقبای برونند.^{۳۳}

4- فشار به اهل ذمه جهت دریافت جزیه و عدم اعتماد آنها به اسلام

والیان اموی برای دریافت مالیات زمین از اهل ذمه بیداد می‌کردند، آنچه می‌خواستند از آنها دریافت می‌نمودند؛ توجه‌پنداشتند که آیا برای مالک چیزی باقی می‌ماند یا نه. زمین‌ها را مساحی می‌کردند و از آنها باج می‌گرفتند خواه در آن زمین کشت انجام می‌شد یا نمی‌شد؛ یکی از شرایط باج ستانی آن بود که مبلغی برای زمین داران مساعده می‌گذاشتند تا برای برطرف کردن نیازهای ضروری خود از آن بهره ببرند که حجاج نامه ای به عبدالملک نوشت و اجازه خواست که مساعده را حذف کند که این پیشنهاد ظالمانه

توسط خلیفه پذیرفته نشد، جواب داد: به آنچه گرفته ای قانع باش و به باقی چشم مدوز برای بینوایان گوشت و استخوانی باقی بگذار تا اطراف آن چربی جمع شود.^{۳۴} فشارها بر اهل ذمه بسیار زیاد بود و آنها به این نتیجه رسیدند که ایمان بیاورند تا از پرداخت جزیه خلاص شوند ولی باز هم از آنها جزیه دریافت می‌گردید؛ دوباره به دین خود برگشتند. بر قبطنی‌های مصر میزان مالیات‌های نامشروع افزودند که در پی دستور معاویه از عمرعاص چنین کاری خواسته شد که یک قیراط به مالیات آنها اضافه کند، عمرعاص که مصر طعمه خودش بود مخالفت کرد و پس از عمرعاص خلفای اموی هرچه خواستند بر مالیات مردم مصر افزودند که قبطنیان زیر بار نمی‌رفتند و درگیر شدند که بسیاری از آنها کشته شدند، بلاذری می‌گوید «کانت الجزیه فی بدء الامر جریباً و دیناراً علی کل جمجمه» جزیه در آغاز کار یک جریب بود و یک دینار بر هر نفر.^{۳۵} اسامه بن زید تنوخی ظلم بسیاری بر مسیحیان روا داشت، او که از کاهش باج و خراج هراس داشت دستور داد دیرها و راهب‌ها شمارش کنند زیرا مردم از ترس او به آنجا پناه برده بودند، دستور دست هر راهبی را با حلقه آهن داغ کنند و هرکس آن داغ را نداشت دستش قطع کنند؛ او مسیحیان را الزام کرد که قبض پرداخت مالیات را در دست داشته باشند در غیر اینصورت آنها را دینار جریمه می‌شدند.^{۳۶}

5- ظهور پدیده اقتصادی فاجعه بار الجاء (حمایه)

هر چه مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع امویان بیشتر می‌گردید و فشارها بر مردم افزون می‌شد ناتوانی مردم آشکارتر می‌گردید و راه چاره ای نداشتند که پیامد فشارهای مالیاتی بوجود آمدن پدیده مالی جدیدی به نام «الجا» بود.^{۳۷}

خوارزمی درباره الجاء می‌گوید: "التلجیه أن یلجیء الضعیف ضیعاً الی قوی لیحامی علیها"^{۳۸} پناه بردن ضعیف به همراه آب و زمینش به قوی که از او حمایت کند یعنی زمین‌ها و املاک مالکین کوچک در حمایت مالکین بزرگ به خاطر فشار مالیات‌های اضافی نامشروع قرار می‌گرفت؛ اسم مالک‌های بزرگ در دفاتر ثبت می‌گردید به مرور زمان مالکین کوچک حذف می‌شدند، اراضی به مالکین بزرگ انتقال می‌یافت.^{۳۹} بیشتر مالکین بزرگ که مالکین کوچک تحت حمایت آنها قرار می‌گرفتند از خاندان اموی یا از

عاملین و والیان با نفوذ آنها بودند مانند مسلمه بن عبدالملک و محمد بن مروان که از مالکان بزرگ به شمار می‌آمدند.^{۴۰}

بدین گونه ضیاع زیادی به افراد متنفذ و مالکان بزرگ از خاندان اموی منتقل گردید تا شاید صاحبان آن از مالیات‌های نا مشروع اضافی فرار کنند که از ترس چاله به چاه افتادند.

6- ظهور پدیده اقتصادی ایغار :

از پیامدهای اقتصادی مالیات‌های نامشروع عصر اموی ایجاد پدیده اقتصادی جدیدی به نام «ایغار» بود، بدین صورت که مالکان زمین برای رهایی از فشار مأمورین مالیات نقداً به صورت مستقیم مبلغی به بیت المال پرداخت می‌کردند بدون اینکه مأموران مالیات به زمینش وارد شوند، برای همیشه از پرداخت مالیات معاف می‌شدند یا اینکه مالک مستقیماً مبلغی به سلطان می‌داد، از تعرض مأمورین مالیات و تحصیل داران معاف می‌گشت.^{۴۱} خوارزمی آن را چنین تعریف می‌کند: «الایغار هو الحمايئة و ذلك أن تحمي الضيعة أو القرية فلا يدخلها عامل و يوضح عليها شيء في السنة يؤدي لبیت المال في الحضرة أو النواحي»^{۴۲}. «ایغار» نوعی حمایت است و آن واگذاری ملک یا روستایی به صاحب منصبی به نحوی که مأموران مالیاتی متعرض او نشوند، در عوض آن صاحب منصب تعهد کند که هر سال مبلغ معینی به خزانه برساند. «ایغار» در عهد اموی و عباسی اول شایع بوده است؛^{۴۳} چون بر اساس محصول نبود، باعث ایجاد مشکل برای کشاورزان می‌گردید که ممکن بود بیشتر از محصول پرداخت کنند و باعث نابودی مزارع و کشاورزی شود یا اینکه حقوق بیت المال کمتر پرداخت گردد، افراد سوءاستفاده کنند، مالیات را دقیق و کامل پرداخت نکنند.

7- ظهور پدیده اقتصادی تقبل :

از پیامدهای اقتصادی مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع عصر اموی ایجاد پدیده اقتصادی جدیدی به نام «تقبل» بود که نوعی مقاطعه کاری در مالیات بود، به این صورت که فردی که عهده دار اخذ خراج بود قبول می‌کرد که خراج را برای خودش بگیرد در مقابل مقدار معینی به سلطان یا خلیفه یا والی بپردازد که بعدها به «نظام

التزام» معروف گشت.^{۴۴} در «تقیل» تقبل کننده‌ها سلطان سود می‌بهرند. زیرا سلطان زودتر به مالیاتش می‌رسید و تقبل کننده هم با آزادی کامل ما به التفاوت آنچه که می‌داد و آنچه که می‌گرفت، برداشت می‌کرد.

«تقبل» همان مقاطعه دادن مالیات به افراد بود که به دو صورت انجام می‌گرفت یکی اینکه فرمانداران و والیان مالیات قلمرو خود را به طور مقاطعه می‌پرداختند و آنچه که می‌خواستند از مردم می‌گرفتند که بر خلاف شرایط اسلام بود دیگر اینک هئوت‌مندان و متنفذان به طور مزایده با مأمورین جمع آوری مالیات قرار داد می‌بستند و مبلغ مقرر را نقدا پرداخت می‌کردند سپس آنچه که می‌خواستند از اهالی آن شهر، ده، استان می‌گرفتند. هر دو این نوع مقاطعه دادن مالیات مورد تأیید قرار نگرفت از جمله ابویوسف و ماوردی آنرا مردود می‌دانستند، دلیل این بود که ظلم و تعدی به مؤدیان باعث ویرانی زمین‌ها و هلاکت کشاورزان می‌گردد و فرد تقبل کننده همه چیز را بر اساس سود و زیان خود در نظر می‌گیرد.^{۴۵}

8- فرار روستاییان از روستاها و کاهش محصولات کشاورزی :

مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع عصر اموی باعث کاهش محصولات کشاورزی گردید زیرا در این دوران به کشاورزان روستایی-چه کشاورزان مسلمان و چه کشاورزان اهل ذمه- فشار وارد آمد. فشارهای مالیاتی باعث شد که زمینداران و روستاییان اهل ذمه وادار شدند که دین اسلام را اختیار کنند؛ تا شاید در پناه دین از بیداد گری و ظلم رها شوند یا از پرداخت جزیه و خراج آزاد گردند که این امر محقق نشد، چاره ای ندیدند جز اینکه کشتزارها و مزارع خود را رها کرده و از روستاها فرار کنند، به شهرها پناه آورند تا شاید آسوده شوند که حجاج دستور داد آنها را تعقیب کنند، به روستاها باز گردانده، از آنها خراج بستانند؛ امر کرد که حاکمان شهرهای اسلامی حق ندارند تازه مسلمان‌هایی که از روستاها آمده اند به شهر راه دهند، باید به روستاها برگردند به کشاورزی بپردازند.^{۴۶} زیرا مهاجرت روستاییان به شهرها در اثر فشارهای مالیاتی اولاً باعث کاهش شدید محصولات کشاورزی گردید، ثانیاً کاهش «خراج» به دنبال داشت، این امر ضربه اقتصادی شدیدی به دولت اموی بود.

9- ایجاد شورش‌های داخلی علیه دولت اموی

تحمیل مالیات‌های نامشروع و بی سابقه بر مردم باعث بوجود آمدن شورش‌های مختلف علیه امویان شد یا اینکه ناراضیان از وضع اقتصادی موجود به شورش‌های دیگر پیوستند و علیه دولت اموی دست به اقداماتی زدند. از جمله این شورش‌ها که ریشه اقتصادی داشتو ناشی از فشار مالی و حذف حقوق مردم بود؛ شورش مردم بصره به رهبری عبدالله بن جارود است زیرا حجاج والی امویان اضافه ای را که در سهمیه بیت المال مردم بصره قرار داده شده بود حذف کرد.^{۴۷} شورش دارای ریشه اقتصادی در سال 75 هجری به رهبری مطرف بن مغیره صورت گرفت مطرف دلایل خود را اینگونه بیان می‌کند: «حیف و میل بیت المال، تعطیل حدود شرعی و استبداد حاکم» که حاکم همدان از حجاج خواست او را سر کوب کند ولی حجاج که از پراکنده شدن عرب‌ها در سرزمین‌های خراجی وحشت داشت؛ نپذیرفت؛ خود با سپاهی از شام و مردم ری در سال 77 هجری او را سرکوب کرد.^{۴۸} شورش دیگری که دلایل عمده آن اقتصادی بود شورش عبد الرحمن بن اشعث بود، بیشتر حاضران در این شورش روستاییانی بودند که از فشار مالیات‌های نامشروع به شهرها فرار کرده بودند که حجاج دستور به تعقیب و بازگشت آنها به روستا هاداد زیرا خراج کاهش یافته بود. مردم عراق از دیگر شرکت کنندگان این شورش بودند که به دورترین نقاط جهت جنگ اعزام می شدند تا غنایمی برای دولت اموی و حجاج کسب کنند، موالی از دیگر حاضران در شورش بودند زیرا جزیه‌ها، مالیات‌های سنگینی از آنها گرفته می شد و آنها از وضع موجود ناراضی بودند.^{۴۹} موالی در بیشتر شورش‌های علیه امویان شرکت داشتند، دلیل آنها تبعیض هایی بود که دولت اموی از نظر اقتصادی و اجتماعی علیه آنها روا می‌داشت که مورد تعدی‌های بسیاری قرار می‌گرفتند.

10- رواج رشوه خواری و فساد دستگاه‌های دولتی

مالیات‌های نامشروع در دولت امویان باعث رواج رشوه خواری و فساد دستگاه‌های دولتی شد به گونه ای که هر مأموری باید به ما فوقش رشوه می‌داد تا بتواند کار کند، در نهایت پول این رشوه‌ها از جیب مردم بیچاره دریافت می‌گردید؛ مأمور یا فرماندار برای

پرداخت رشوه به مافوق خود مال مردم را می‌چاپید. روش آنها چنین بود که مبلغ جزئی برای دولت خرج می‌کردند و موقع حساب آنرا چند برابر محاسبه می‌نمودند، از مأمورین جزء رده پائین رشوه‌های کلان می‌گرفتند، مالیات‌های سنگین وضع می‌نمودند، بر بازاریان و کسبه مالیات‌های جدید تحمیل می‌کردند، اموال کشاورزان را می‌زدیدند به این صورت که هنگام برداشت محصول مأموری را می‌فرستادند تا مطابق دلخواه مالیات بگیرد، اگر دهقانی اعتراض می‌کرد ریش و سبیلش را می‌تراشیدند، او را کتک می‌زدند، اموال او را ضبط می‌کردند؛ این فشارها به رده پائین مردم وارد می‌گردید که با پرداخت رشوه به افراد رده بالا آنها را به سکوت وا می‌داشتند. مالکان بزرگ با پرداخت رشوه به مأمورین جمع‌آوری مالیات خود را از پرداخت مالیات معاف می‌کردند. فساد در دستگاه‌های دولتی وجود داشت، همه سعی در پر کردن جیب خود را داشتند، به هر نحو ممکن دنبال چاپیدن مردم بی‌دفاع بودند، این فساد دستگاه‌های دولتی موجب گرانی خوارو بار، اقلام خوراکی، سخت شدن زندگی، دسته‌بندی و کشمکش احزاب، گروه‌ها می‌گردید. هرج و مرجی اقتصادی، اجتماعی در جامعه شکل گرفت که ضررهای آن متوجه طبقات پائین و فرو دست اجتماع بود.^{۵۰}

11- عدم تفاوت میان اموال خصوصی خلفا و درآمدهای عمومی

مالیاتیهای نامشروع و بی سابقه در عهد اموی پیامد مهمی به دنبال داشت آن عدم مشاهده تفاوت میان اموال خصوصی خلفا و درآمدهای عمومی بود. زیرا در دوره خلفای راشدین اموال عمومی بسیار زیاد، اموال خصوصی کم بود ولی در دوره امویان درآمدهای عمومی از املاک عمومی زیاد شد، اقطاع‌های عام اقتصادی اهمیت خاص یافتند و اصطلاح «مستغلات» در این دوران پدیدار شد که شامل ساختمان‌هایی بود که در این زمین‌ها احداث می‌شدند مانند دکان‌ها و آسیاب‌ها که تحت تملک دولت قرار داشت که در زمان ولید بن عبدالملک دیوانی تأسیس شد به نام مستغلات که کارهای آنها انجام می‌داد و این املاک همه متعلق به خلفا و ملک خصوصی آنها شد. برای اولین بار در حکومت اسلامی در عهد امویان طوری عمل شد که تفاوتی بین اموال خصوصی خلفا و اموال عمومی مشاهده نمی‌گردید، آنچه که اموال عمومی بود متعلق به خلفای اموی

بود.^{۵۱} خصوصیت دستگاه مالی امویان این بود که خزانه دولت جزء دارایی مردم محسوب نمی شد و خاص خلیفه بود و زیر نظر مستقیم او با دست و دل بازی تمام اداره می گردید.^{۵۲}



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

12- افزایش سپاهیگری و توجه به نظامیان

مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع باعث شد که امویان به سپاهیگری و نظامیان بیشتر توجه کنند زیرا اهرم و ستون اصلی حکومت آنها سپاهیان بودند، لذا سعی در افزایش تعداد سپاهیان و سپاهیگری از اهداف اصلی و اساسی امویان بود؛ آنها می‌دانستند که برای رسیدن به خواست خود یعنی سرکوب مخالفان و انجام فتوحات جدید باید نیروی نظامی قوی تشکیل دهند. امویان با بذل و بخشش فراوان سپاهیان و نظامیان را کنترل می‌کردند و در این زمینه هزینه‌های زیادی صرف کردند که از جیب مردم بیچاره تأمین می‌گردید.^{۵۳}

امویان حقوق و مقرری سپاهیان را افزایش دادند و معاویه حقوق آنها را دوبرابر کرد که حدود شصت هزار سپاهی داشت که به هر سپاهی هزار درهم پرداخت می‌شد، بعد از معاویه دیگر خلفای اموی هم از روش معاویه پیروی کردند، خصوصاً عبدالملک که با گروه‌های مختلفی درگیر بود، برای سپاهیان در مبارزه با مخالفان مقرری هنگفتی هزینه کرد که در ترتیب علاوه بر حقوق، نزدیک به دو میلیون درهم میان آنها تقسیم نمود. ولید بن یزید روزی که خلیفه شد برای خشنودی سپاهیان و جلب حمایت آنها ده درهم به حقوق آنها افزود. پرداخت حقوق سپاهیان و افزایش آن نتیجه مالیات‌های نامشروع و اضافی بود که بر گرده مردم بیچاره سوار می‌کردند تا بتوانند به اهداف خود برسند؛ همین نظامیان انواع ظلم‌ها و ستم‌ها بر مردم روا می‌داشتند، شدیدترین شکنجه‌ها اعمال می‌کردند.

13- احیای رسم‌های غلط و تقلید از ملل دیگر

در ایران عهد ساسانی قبل از فتوحات رسم‌هایی وجود داشت که معروف به «هدایای مهرگان و نوروز» بود، بدین صورت که در آغاز فصل پاییز و زمستان هدایایی با ارزش بنام «مهرگان» و در آغاز فصل بهار و تابستان بنام «نوروز»، مردم باید به پادشاهان اهداء می‌کردند که بعد از اسلام این رسوم از بین رفت؛ ولی خلفای اموی از زمان معاویه آن را احیاء کردند، معاویه دستور داد که مردم باید سالانه هدایای مهرگان و نوروز به او اهدا کنند که مبلغ آن 10 هزار درهم در سال بود.^{۵۴} مکوسی که به تقلید از پادشاهان روم

و ایران‌از مردم دریافت می‌شد. سرانجام این رسم‌های غلط در زمان عمر بن عبدالعزیز برانداخته شد.

معاویه به دلیل حجم پول‌های دریافتی از مالیات‌ها و درآمدها مشروع و نامشروع از دستگاه‌های سلطنتی رومی‌ها تقلید کرد اقداماتی انجام داد از جمله: برای خود نگهبانان مسلح فراهم ساخت، کاخ و تختی بنا کرد، در مسجد مقصوره (غرفه‌ی مخصوص) ترتیب داد که موقع نماز در آن قرار می‌گرفت، خلافت را موروثی کرد، لباس‌های خز و حریر به تقلید از رومیان پوشید، او به تقلید از ایرانی‌ها و رومی‌ها پست دولتی و مهر داری سلطنتی ترتیب داد.^{۵۵}

14- ساختن کاخها و مساجد و بناهای عظیم

مالیات‌ها و درآمدهای فراوان خلفای اموی باعث شد که آنها علاقه زیادی به ساختن کاخ‌ها، مساجد و بناهای عظیم داشته باشند با هزینه فراوان این بناها و کاخ‌ها را بسازند. معاویه کاخ سبز را در دمشق و یزید بن معاویه کاخ حوارین را بنا کرد، مروان بن حکم یک استخر را در کاخ ایجاد کرد. کاخ‌های سه گانه توسط عبدالملک بن مروان ساخته شد، او در شهرهای صنبره، بعلبک و قنسیرین کاخ‌هایی بنا کرد. دوره‌ی ولید بن عبدالملک که دوره‌ی ساختن کاخ‌ها به شمار می‌رود، کاخ‌های زیادی ساخته شد از جمله: کاخ‌های مینه، صرح، کاخ کوچک عمره و کاخ آسیس. سلیمان بن عبدالملک شهر رمله را بنا کرد و در آن قصری باشکوه ساخت. یزید ثانی پسر عبدالملک کاخ موقر را در بلقاء ساخت. در دوره هشام بن عبدالملک عمارت‌های بزرگی ایجاد شد از جمله قصر رصاقه، قصر الحیره غربی و قصر الحیره شرقی و قصر المفجر. قصرهای دیگری توسط ولید ثانی مانند کاخ‌های المشتی و الطوبه ساخته شد. محمد بن مروان کاخ حران را ساخت.^{۵۶}

در دوره خلفای اموی مساجدی نیز ساخته شد از جمله بازسازی مسجد مدینه در زمان ولید بن عبدالملک که با نظارت عمر بن عبدالعزیز والی مدینه انجام گرفت. مسجد قبه الصخره و گنبد سلسله توسط عبدالملک مروان ساخته شد. مسجد الاقصی که توسط ولید بن عبدالملک بنا شد، او مسجد جامع اموی نیز ساخت که قبلاً مکان آن بتخانه

ژوپیتتر بود.^{۵۷} ساخت و بنای این کاخ‌ها و مساجد هزینه‌های هنگفتی می‌طلبید که خلفای اموی از بیت المال برداشت می‌کردند که حاصل مالیات‌های نامشروع و جدیدی بود که از مردم بیچاره‌می گرفتند.

نتیجه‌گیری

در دوره رسول خدا (ص)، نظام اقتصادی اسلامی ساده بود، مسلمانان زکات و صدقات پرداخت می‌کردند؛ غنایم هر جنگ بلافاصله به صلاحدید رسول خدا (ص) میان غازیان و جنگجویان تقسیم می‌گردید. نظام اقتصادی اسلامی در دوره خلفای راشدین کم‌کم رو به تغییر رفت، دچار تغییر و تحولاتی شد با رشد اموال حاصله از فتوحات، دیوانی توسط عمر بوجود آمد. با روی کار آمدن امویان بااهدافی خاص در نظام اقتصادی اسلامی تغییرات و تحولات اساسی ایجاد شد که نسبت به گذشته قابل مقایسه نبود؛ این نظام اقتصادی برپایه جمع‌آوری ثروت شخصی، بنا شده بود. خلفای اموی برای حفظ قدرت خود بذل و بخشش‌های فراوان داشتند، برای همین منظور نیازمند درآمد هنگفت بودند که درآمدهای مشروع کافی نبود به همین منظور سعی در به دست آوردن ثروت به هر شکل ممکن داشتند که سرانجام مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع و بی سابقه‌ای ابداع بر مردم تحمیل کردند. این مالیات‌ها توسط والیان اموی به هر شکل ممکن دریافت می‌شد، هرکس ابا می‌کرد، با فشار و زور نظامی رو برو میشد. این مالیات‌ها متعدد بوده مانند مالیات بر اسب، مالیات بر ضرابخانه، مالیات اجاره خانه‌ها و کاروانسراها، مالیات زنان فاحشه و روسپی، جزیه بر نو مسلمانان و... که حاصل آن، پیامدهای اقتصادی زیادی بود که آثار آن در حیات اجتماعی، اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی و تمدنی نمودار گردید از جمله: رواج فرد گرایی و خلیفه محوری به جای خدا سالاری، دوری از معنویات، مادی گرایی، دنیا طلبی، نابودی کشاورزان و کشاورزی به دنبال فشارهای مالیاتی، فرار روستاییان به شهرها، رواج زندگی اشرافی‌گری، دوری از اسلام واقعی، ولخرجی‌های خاندان اموی از بین رفتن معیارهای اصیل اسلامی، افزایش نظامی‌گری، احیای رسوم غلط گذشته و ملل دیگر، شورش‌های متعدد... که آثار زیانباری بر اقتصاد عصر اموی به جای گذاشت. عده‌ای از این پول‌های باد آورده ثروتمند شده و عده زیادی فقیر شدند، برای حفظ خود اقدام به مخالفت‌ها و ناسازگاری‌هایی نمودند که سرانجام باعث سقوط امویان گردید.

یادداشت‌ها:

- 1- ابو عبید، قاسم بن سلام، اموال، چاپ اول، بیروت: ناصر للثقافه، 1981م، ص 447؛ کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، گزیده کافی، ترجمه و تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1363، ج 13، ص 14؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، 4جلدی، بیروت: دار الهدی، بی‌تا، ص 15-470.
- 2- ابن قیم الجوزیه، احکام اهل الذمه، دو جلدی، چاپ اول، تحقیق طه عبدالرئوف سعد، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1981، ج 1، ص 126.
- 3- حسن، حسن ابراهیم، تاریخ سیاسی اسلام، 4 جلدی، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1964، ج 1، ص 486.
- 4- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، تابستان 1369، ص 182.
- 5- ابو عبید، همان، ص 211.
- 6- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی و محمد علی کرامی قمی، چاپ ششم، مرکز نشر فرهنگی رجاء و انتشارات امیر کبیر، 1376، ج 5، ص 63 و 64؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ نهم، قم: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، 1363، ج 4، ص 62 و 63؛ شمس الدین، محمد بن جمال الدین مکی، لمعه دمشقیه، ترجمه و تبیین محسن غروی‌ان و علی شیروانی، چاپ اول، قم: انتشارات دار الفکر، 1374، ج 2، ص 282 و 283؛ ابن عساکر، تهذیب تاریخ دمشق، عبدالقادر بدران، چاپ دوم، بیروت: دار المیسره، 1971، ج 5، ص 95.
- 7- شمس الدین، همان، ج 1، ص 161؛ ابن عبدالحکم، عبدالرحمن بن عبدالله، فتوح مصر و اخبارها، چاپ لیدن، ص 272.
- 8- ابن عبدالحکم، همان، ص 273.
- 9- ابن هشام، سیره النبویه، تعلیقات عمر عبدالسلام تدمری، دار الکتب العربی، بی‌تا، ج 1، ص 411؛ ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، بیروت: دار المعرفه، 1979م، ص 86 و 93.
- 10- شمس الدین، همان، ج 2، ص 167؛ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء، مکتبه المرتضویه، بی‌جا، بی‌تا، ج 2، ص 40.
- 11- شمس الدین، همان، ج 2، ص 167 و 168؛ ابویوسف، همان، ص 86.
- 12- ابویوسف، همان، ص 230 و 231.
- 13- زیدان، همان، ص 104.

- 14- دوری، عبدالعزیز، تاریخ العراق الاقتصادي فی القرن الرابع الهجری، چاپ دوم، بیروت: دار المشرق، 1974، ص 22.
- 15- شمس الدین، همان، ج 2، ص 197 و 198؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق محمد حمید الله، قاهره: دار المعارف، بی‌تا، ج 1، ص 234؛ ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، البدایه و النهایه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1993، ج 8، ص 148.
- 16- زیدان، همان، ص 181.
- 17- ابویوسف، همان، ص 86 و 93؛ ابوعبید، همان، ص 527.
- 18- ابن عبدالحکم، همان، ص 129.
- 19- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، بیروت: مکتبه الاعلی، بی‌تا، ج 8، ص 139؛ ابن عبدالحکم، همان، ص 129؛ ابوعبید، همان، ص 527.
- 20- ابویوسف، همان، ص 86 و 93؛ ابوعبید، همان، ص 527.
- 21- ابن عبدالحکم، همان، ص 129؛ ابوعبید، همان، ص 527 و 528.
- 22- ابن عبدالحکم، همان، ص 126؛ شمس الدین، همان، ج 2، ص 329.
- 23- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، بیروت: دارالاندلس، بی‌جا، بی‌تا، ج 2، ص 41؛ یعقوبی، احمد بن اسحاق (ابن‌واضح)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ نهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1382، ج 2، ص 82.
- 24- یعقوبی، همان، ج 2، ص 82.
- 25- ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت: دار صادر، بی‌تا، ص 232 و 233.
- 26- لمبتون، (گروه نویسندگان کمبریج) تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1380، ص 122 و 123.
- 27- شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، دار المعارف، سه جلدی، 1963، ج 2، ص 54.
- 28- زیدان، همان، ص 971 و 974.
- 29- لمبتون، همان، ص 123.
- 30- زیدان، همان، ص 826 و 827.
- 31- لمبتون، همان، ص 122 و 123.
- 32- طقوش، محمد سهیل، دولت امویان، ترجمه حجت‌الله جودکی، چاپ دوم، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1384، ص 93 و 95.
- 33- همان.
- 34- زیدان، همان، ص 230.
- 35- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1978م، ص 131.

- 36- همان، ص 231.
- 37- میتز، آدم، الحضاره الاسلاميه فى القرن الرابع الهجرى، دو جلدی، ترجمه عبدالهادی ابوریده، چاپ چهارم، بیروت: دار الكتاب العربی، 1967، ج 1، ص 215.
- 38- خوارزمی، محمد بن احمد، مفاتیح العلوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1978، ص 41.
- 39- بلاذری، همان، ص 308 و 309.
- 40- همان، ص 316 و 364؛ حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، 1971م، ج 1، ص 28.
- 41- حموی، همان، ج 1، ص 29.
- 42- خوارزمی، همان، ص 40.
- 43- دوری، همان، ص 49.
- 44- ریس، ضیاء‌الدین، خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان: دانشگاه اصفهان، 1373، ص 269 و 270.
- 45- ابویوسف، همان، ص 105؛ ماوردی، علی بن محمد، احکام السلطانیه و الولايات الدینیّه، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1978، ص 222.
- 46- طبری، همان، ج 5، ص 182.
- 47- همان، ج 5، ص 46.
- 48- همان، ج 5، ص 115.
- 49- طبری، همان، ج 5، ص 182؛ ولهاوزن، تاریخ الدوله العربیه، قاهره، 1958، ص 255.
- 50- زیدان، همان، ص 817 و 818.
- 51- ابویوسف، همان، ص 221.
- 52- امیر علی، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه فخرداعی گیلانی، چاپ سوم، تهران: گنجینه، 1366 ه.ش، ص 192.
- 53- زیدان، همان، ص 127 و 128.
- 54- جهشیاری، محمد بن عبدوس، الوزراء و الكتاب، بیروت: دارالفکر الحدیث، 1988، ص 52؛ یعقوبی، همان، ج 2، ص 145.
- 55- زیدان، همان، ص 63.
- 56- عفیف البهنسی، هنر اسلامی، ترجمه محمودپور آقاسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر، 1387، ص 242.
- 57- همان، ص 153 و 157.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی